مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندهٔ مضمون میباشد، عقیدهٔ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد.

محمد مرادی

۲۰۲۰/۰۷/۱۲

# از فرقه اسماعیلیه چه می‌دانیم؟

## ماجرای آقاخان محلاتی و رابطه او با افغانستان

اسماعیلیان که در تاریخ به «فاطمیان»، «قرمطیان»، «باطنیه» و «شش امامیان» نیز معروف اند، فرقه ای از مسلمانان شیعه مذهب هستند که پس از شهادت امام جعفر صادق (ع) در قرن دوم هجری قمری ظهور یافتند.

آنان در اوایل قرن چهارم هجری، دولت قدرت مندی تحت عنوان «فاطمیان» در مصر به میان آوردند که نفوذ شان تا شرقی ترین نقطه افغانستان یعنی بدخشان فعلی گسترش یافت. اسماعیلیان معتقدند؛ امامت پس از امام جعفر صادق به پسرش «اسماعیل» منتقل شد و این سلسله که تا کنون به چهل و نهمین امام رسیده است، ادامه دارد. «حسن صباح» و «ناصرخسرو بلخی» از بزرگان اسماعیلیان بودند که برای گسترش آراء و اعتقادات این فرقه، زحمات زیادی را در ایران و افغانستان فعلی متحمل شدند. در قرن های پنجم و ششم هجری، کمتر سرزمین اسلامی و کمتر دربار حاکمی را می توان سراغ داشت که از اسماعیلیان خالی بوده باشد. دوره سامانیان، آغاز دعوت داعیان اسماعیلی در خراسان بزرگ بود که در دوره غزنویان و سلجوقیان، فعالیت آنان به اوج خود رسید و بسیاری از سران حکومتی را به کیش خود در آوردند. سعی اسماعیلیان برای توسعه مذهب خود، بدون خطرات جانی برای آنان و همکیشان شان نیز نبود. مثلاً «حسنک وزیر» که از افراد معتمد سلطان محمود غزنوی بود، به اتهام قرمطی‌گری، توسط سلطان مسعود فرزند سلطان محمود، در بلخ سنگسار شد. اسماعیلیان پس از سادات و علویان، دومین گروهی بودند که به خشم آتش حاکمان عباسی و فرمانروایان تابع خلافت بغداد، سوختند و هزاران هزار اسماعیلی در راه اعتقادات خود، جان شان را از دست دادند. البته اسماعیلیان نیز حاکمان وقت خود را به ستوه آورده بودند که ترور برق آسای حاکمان و وزیران آنان مثل «خواجه نظام‌الملک» وزیر دربار «ملک شاه سلجوقی» توسط فدائیان حسن صباح، از دشمنی عمیق آنان با حاکمان، حکایت داشت. به رغم آن که برخورد شدید حاکمان با اسماعیلیه، این گروه را به شدت تضعیف کرد اما پیروان آنان هرگز از بین نرفتند بلکه قرن‌ها به حیات سیاسی و اجتماعی خود در سرزمین‌های دور و نزدیک ادامه دادند **اما آنچه ما امروز گروهی به نام اسماعیلیان افغانستان می‌شناسیم، با یک حادثه تاریخی در ایران ارتباط دارد که ماجرای آن بدین شرح است:**

یکی از قیام‌ها و یا شورش‌های دوره قاجار که پس از جریان «بابیه»، بزرگ ترین نهضت اجتماعی ایران به شمار می‌رود، خیزش «حسن‌علی‌شاه محلاتی» در سال ۱۲۵۵ هجری قمری بود. او که اهل منطقه «محلات» ایران بود و «الحسینی» تخلص می‌کرد و ادعای سیادت داشت، چهل و ششمین امام اسماعیلی شاخه «نزاری» به شمار می رفت.
اسماعیلیان، چندین شاخه هستند که بیشترشان به فرقه نزاری تعلق دارند. «فتح علی شاه قاجار»، حسن‌علی را که «خلیل‌الله» پدرش در یک حادثه کشته شده بود، مورد تفقد قرار داد و به او لقب افتخاری «آقاخان» اعطا کرد. شاه قاجار، سپس «سرو جهان» یکی از دختران خود را نیز به عقد حسن‌علی آقاخان درآورد و او را حاکم قم و محلات مقرر کرد. پس از فتح علی شاه قاجار، فرزندش «محمدشاه» به قدرت رسید. محمدشاه همان شخصی است که لشکرکشی بزرگی را برای تصرف شهر هرات انجام داد اما موفق نشد که این شهر را تصرف کند. در آن زمان شهر هرات در اختیار «کامران میرزا» فرزند «شاه محمود سدوزایی» بود. در همین بحبوحه، حسن‌علی آقا خان که حکومت کرمان را نیز به عهده داشت، در برابر شاه قاجار شورید که مدت‌ها دربار قاجاری را به خود مشغول کرد. به رغم آن که شورش اسماعیلیه در برابر دولت قاجاری، انگیزه‌های اجتماعی و عدالت خواهی داشت اما نقش انگلیس را نیز نباید در این ماجرا نادیده گرفت. خوانندگان عزیز کم وبیش اطلاع دارند که انگلیس در جریان محاصره هرات، مخالف تصرف این شهر به دست قاجاری‌ها بود. به عنوان نمونه، انگلیس در سال ۱۸۳۷، هیئتی را به سرپرستی «الکساندر برنس» به کابل اعزام کرد تا دوست محمد خان امیر کابل را در امر دولت داری کمک کند. یکی از


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

موضوعاتی که بین امیر و هیئت بریتانیایی مورد بحث قرار گرفت، مسئله محاصره هرات بود. هرچند امیر دوست محمدخان با کامران میرزا حاکم هرات، دشمنی دیرینه داشت اما در زمان محاصره هرات، طرف کامران میرزا را گرفت و تلاش کرد که هرات به دست قاجاری‌ها نیفتند. نتیجه مذاکرات هیئت انگلیس با امیردوست محمد خان، این شد که بریتانیا امیر را در جنگ با محمد شاه قاجار یاری کند. در همین راستا، «الدرد پاتنجر» یکی از مأموران نظامی انگلیس که برای حمایت مدافعین هرات به این منطقه اعزام شده بود، علناً به نفع مدافعان هرات، با ایرانیان وارد جنگ شد. همزمان با این، انگلیس‌ها، جزیره «خارک» ایران را تصرف کردند و به ایرانی‌ها پیام دادند که اگر به محاصره هرات پایان ندهند، منتظر عملیات بزرگ‌تری باشند. هدف انگلیس‌ها از حمایت حسن‌علی آقاخان نیز مشغول نگه داشتن دربار قاجار بود تا شاه قاجار نتواند دست انگلیس را از ایران کوتاه کند. همچنین انگلیس در نظر داشت که با درگیر کردن محمد شاه قاجار به یک موضوع داخلی، فکر او را از ایجاد مزاحمت برای هند بریتانیایی در افغانستان، منصرف کند. حسن‌علی خان محلاتی در کتاب «عبرت افزا» بارها از خدمات انگلیس نسبت به نهضت خود، اظهار قدردانی و خشنودی کرده است.

به هر حال، حسن‌علی آقا خان، یک و نیم سال در برابر دولت قاجاری در توابع کرمان مقاومت کرد اما سرانجام شکست خورد و از راه «کویر لوت» در سال ۱۲۵۷ هجری قمری به قندهار آمد. استقرار حسن علی آقاخان در قندهار، باعث شد که جان تازه در کالبد نیمه جان اسماعیلیان افغانستان دمیده شود و فوج فوج از سرزمین‌های شمالی و شرقی افغانستان به قندهار سرازیر شوند. در حقیقت، حضور آقاخان در قندهار، آغاز تاریخ نوین برای اسماعیلیان افغانستان به شمار می‌رود. آنچه فعلاً به نام اسماعیلیان افغانستان می‌شناسیم، در همین دوره، قالب نوینی به خود گرفت تا جایی که اکنون اسم اسماعیلیان افغانستان با لقب آقا خان درآمیخته است. این که چرا حسن علی آقا خان، قندهار را مرکز دعوت و فعالیت خود انتخاب کرد، دقیق مشخص نیست ولی سال‌های حضور او در قندهار، مصادف با اشغال قندهار و کابل توسط بریتانیا بود که به جنگ اول افغان- انگلیس معروف شد.

حضور آقاخان در قندهار، می‌توانست که ارتباط او را با نمایندگان انگلیس، آسان‌تر کند. موضوع رابطه حسن علی آقا خان با انگلیس و فعالیت او در افغانستان، در صفحات ۵۸۳ تا ۵۸۶ جلد اول «تاریخ و عقاید اسماعیلیه» شرح داده شده است. البته همان طور که پیش بینی می شد، قندهار محل مناسبی برای فعالیت چهل و ششمین امام اسماعیلیان نبود. بنابراین، آقاخان ناگزیر شد که قندهار را در اواخر صفر سال ۱۲۶۲ هجری به مقصد هند بریتانیایی ترک کند و تا آخر عمر، در همان‌جا بسر ببرد.
پس از درگذشت حسن‌علی یا «آقا خان اول» در سال ۱۸۸۱ میلادی، فرزندش «آقا علی شاه» به عنوان جانشین پدر و به حیث چهل و هفتمین امام اسماعیلیه انتخاب شد و لقب «آقا خان دوم» گرفت. مادر آقا علی‌شاه، «سرو جهان» دختر فتح علی شاه قاجار بود که قبلاً ذکر آن رفت. آقاخان دوم پس از چهار سال امامت، در سال ۱۸۸۵ درگذشت و فرزندش «سلطان محمدشاه» به عنوان جانشین او تعیین گردید. محمدشاه، سومین آقا خان بود که چهل و هشتمین امام اسماعیلیان نیز به شمار می رفت. محمد شاه که سرمایه‌دار ترین شخصیت دوره خود بود و با بسیاری از سران کشورها ارتباط داشت، در ۱۱ جولای ۱۹۵۷ وفات کرد و طبق وصیت او، نوه اش «کریم آقاخان»، فرزند علی پسر ارشد سلطان محمدشاه، به عنوان آقاخان چهارم و امام چهل و نهم اسماعیلیان، به امامت رسید. امامت کریم آقا خان تاکنون ادامه دارد که هر از گاهی به مناسبت‌های مختلف، نام آقاخان بر سر زبان‌ها می‌افتد. او که به شهزاده کریم آقاخان مشهور است، علاقه خاصی به موضوعات افغانستان دارد و اسماعیلیان افغانستان نیز به او نسبت به هر کسی، تعلق‌خاطر دارند. این بود گوشه ای از تاریخ معاصر اسماعیلیه که با تاریخ افغانستان گره خورده است. برای اطلاعات بیشتر درباره سلسله آقا خان‌ها، به منابعی که در کامنت قرار داده شده است، مراجعه کنید.

حسن‌علی‌شاه محلاتی (آقاخان اول) سلطان محمدشاه (آقاخان سوم) کریم آقاخان


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ